

The effect of perceived parenting styles on religion attitude and emotional intelligence of high-school girl students

Monireh Amiri¹, Anahita khodabakhshi koolae^{2*}, Zabih Pirani¹

1- Department of Counseling, branch of Arak, Islamic Azad University, Arak, Iran.

2- Department of Counseling And psychology, Human Science Faculty, Khatam University, Tehran, Iran.

Abstract

Background and Objectives: Religious attitudes and emotional intelligence of students can be changed under parenting styles. Propose of this study was to investigate the effect of perceived parenting styles on religion attitude and emotional intelligence of high-school girl students in 2014.

Materials and Methods: The statistical society of research was the high-school girls in 2014 in Arak city, 87 of them were selected by multistage cluster sampling. Participants answered the two questionnaires including emotional intelligence, religion attitude (Baraheni) questionnaires. The mothers of participants replied to parenting styles questionnaire, Baumrind questionnaire. The data were analyzed by multi-variety regression and Pearson correlation.

Results: The results showed permissive parenting style had negative significant correlation with religion attitude and emotional intelligence. In addition, authoritarian parenting had no relationship with the emotional intelligence, while the authoritative parenting style had positive correlation with emotional intelligence and religion attitude of students.

Conclusion: The findings revealed that the authoritative parenting leads to more emotional intelligence and religion attitude of students that facing the problems life while in the case of permissive parenting is the opposite.

Keywords: Parenting Styles, Religion Attitude, Emotional Intelligence, Girl Students

تأثیر شیوه‌های فرزندپروری ادراک شده بر نگرش مذهبی و هوش هیجانی دانش‌آموزان دختر

منیره امیری^۱، آناهیتا خدابخشی کولایی^{۲*}، ذبیح پیرانی^۱

۱- گروه مشاوره، واحد اراک، دانشگاه آزاداسلامی، اراک، ایران.

۲- گروه مشاوره و روان‌شناسی، دانشکده‌ی علوم انسانی، دانشگاه خاتم، تهران، ایران.

چکیده

سابقه و اهداف: نگرش مذهبی و هوش هیجانی دانش‌آموزان می‌تواند متأثر از روند فرزندپروری والدین، تغییر کند. هدف تحقیق حاضر، بررسی تأثیر شیوه‌های فرزندپروری ادراک شده بر نگرش مذهبی و هوش هیجانی دانش‌آموزان دختر پایه‌ی هشتم متوسطه‌ی اول شهر اراک (در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳) بوده است.

مواد و روش‌ها: جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر، دانش‌آموزان دختر پایه‌ی هشتم متوسطه‌ی شهر اراک بوده‌اند، که ۸۷ نفر از آن‌ها به روش نمونه‌گیری خوشه‌ی چندمرحله‌ی برای انجام این پژوهش انتخاب شدند. سپس پرسش‌نامه‌ی هوش هیجانی «شرینگ» و پرسش‌نامه‌ی «نگرش مذهبی براهنی» بر روی دانش‌آموزان؛ و پرسش‌نامه‌ی شیوه‌های فرزندپروری «بامریند» بر روی والدین آن‌ها اجرا شد. داده‌های جمع‌آوری با استفاده از روش آماری تحلیل رگرسیون چندمتغیره و ضریب همبستگی پیرسون، با نرم‌افزار spss تحلیل شد.

یافته‌ها: نتیجه‌های تحقیق نشان داد، از میان متغیرهای شیوه‌های فرزندپروری، شیوه‌ی فرزندپروری سهل‌گیر، رابطه‌ی معنی‌دار منفی و معکوسی با هوش هیجانی و نگرش مذهبی دارد؛ و شیوه‌ی فرزندپروری مستبدانه، رابطه‌ی معنی‌دار منفی و معکوسی با هوش هیجانی دارد. به بیان دیگر، هر قدر شیوه‌ی فرزندپروری مستبدانه‌تر باشد، هوش هیجانی دانش‌آموزان نیز کم‌تر خواهد بود. همچنین مشخص شد که شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه، رابطه‌ی معنی‌دار مثبت با نگرش مذهبی و هوش هیجانی دارد.

نتیجه‌گیری: روش فرزندپروری مقتدرانه می‌تواند به نگرش مذهبی و هوش هیجانی بالای دانش‌آموزان منتهی شود، در حالی که روش فرزندپروری سهل‌گیرانه به نگرش مذهبی و هوش هیجانی کم‌تر منجر می‌شود.

واژگان کلیدی: شیوه‌های فرزندپروری، هوش هیجانی، نگرش مذهبی و دانش‌آموزان

مقدمه

متقابل والد-فرزند، در موقعیت‌های متفاوت و گسترده است؛ و این‌گونه فرض می‌شود که موجب ایجاد یک فضای تعامل گسترده می‌شود.

بامریند^۱ از سبک‌های فرزندپروری مستبد، مقتدر و سهل-گیر نام برده است. بر اساس نظریه‌ی بامریند، سبک‌های فرزندپروری، واسطه‌هایی است که بین متغیرهای هنجاری والدین و جامعه‌پذیری کودکانشان عمل می‌کند. سبک‌های

وجود رابطه‌ی مطلوب بین والدین و فرزندان، در سلامت روانی فرزندان تأثیر فراوانی دارد. درواقع پایه و اساس شیوه‌ی فرزندپروری، تلاش‌های والدین برای کنترل و اجتماعی کردن کودکان است (۱). بیش‌تر روان‌شناسان، صرف‌نظر از مکتبی که به آن معتقدند، کنش‌های متقابل بین والدین و فرزندان را اساس تحول عاطفی تلقی می‌کنند (۲). سبک‌های فرزندپروری، مجموعه‌ی از رفتارهایی است که تعیین‌کننده‌ی ارتباط

¹ Baumrind

* نویسنده‌ی مسئول مکاتبات: آناهیتا خدابخشی کولایی؛

پست الکترونیک: a.khodabakhshid@khatam.ac.ir